



بسم تعالی

تاریخ: ۱۳۹۱/۱۲/۱۰

کلاس پرونده: ۴۱۷/۹۱

شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۳۳۸۵۶

شماره بایگانی:

پیوست:

مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۹۱/۳۰/۴۸۲۳۱ مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۶ به پیوست تصویر دادنامه

شماره ۸۳۵ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۰۹ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام مقتضی

ارسال می شود./

دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۹۲, ۱۱, ۵۱۶۰۵

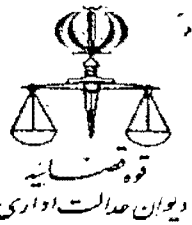
تاریخ ثبت: ۱۳۹۲ / ۶ / ۴

کد پرونده:

ساعت ورود:

دفتر هیات عمومی دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پوست:

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا دادنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره دادنامه: ۸۳۵

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۱/۱۱/۹

کلاس پرونده: ۴۱۷/۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت طراحی و ساخت قطعات داخلی خودرو سایپا آذین به وکالت آقای ابوالقاسم عشوندی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵

گردش کار: شرکت طراحی و ساخت قطعات داخلی خودرو سایپا آذین به وکالت آقای ابوالقاسم عشوندی

به موجب دادخواستی ابطال ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵ وزارتین

دادگستری و بهداری و بهزیستی را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته توضیح داده است که:

" احتراماً به استحضار می رساند سازمان تأمین اجتماعی شعبه شهرستان قدس با ارسال برگ بازداشت نامه

شماره ۴۰۰۱-۱۳۹۱/۱/۲ با استناد به ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی قانون تأمین اجتماعی، درخواست توقیف مبلغ

۶۰۱/۱۶۸/۵۷۱ ریال مطالبات احتمالی شرکت بادپا آسیا را در نزد شرکت موکل می نماید و متعاقباً طی برگ لازم

الاجراء، شرکت موکل را معادل مبلغ مذکور مدیون تشخیص و با استفاده از اطلاعات در اختیار، بلافاصله و بدون

رعایت مقررات قانونی معادل وجه فوق از وجوه متعلق به شرکت در نزد بانکها را توقیف و برداشت می نماید بدون

آن که شرکت بادپا آسیا طلبی از شرکت سایپا آذین داشته باشد. سازمان مذکور صرفاً با استناد به مقررات ماده ۴۰

آیین نامه اجرایی فقط به خاطر این که شرکت ظرف مهلت ۱۰ روز مقرر در ماده یاد شده به برگ بازداشت نامه

پاسخ نداده، اقدام به چنین کاری نموده است. به عبارت دیگر با استناد به ماده مذکور بدون توجه به این که شرکت

موکل وجوهی از بدهکار تأمین اجتماعی در اختیار دارد یا نه مطالبات خود را از محل وجوه شرکت موکل (شخص

نالت) که برای منظور و مقاصد دیگری از جمله حقوق کارکنان و بهای کالا و خدمات مورد نیاز در حسابهای بانکی

خود سپرده نموده، برداشت می نماید که در نتیجه آن خسارت غیر قابل جبرانی متوجه شرکت شاکی گردیده است.

اینک صرف نظر از این که شرکت موکل به بازداشت نامه ارسالی از طرف تأمین اجتماعی پاسخ داده و صرف نظر

از این که اقدامات اجرایی به نحو صحیح انجام نگرفته است، همچنین با صرف نظر از این که، مفهوم ماده ۴۰ آیین

۴۸۴

فوتوکپی بر اصل است
رئیس هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰/۴۴۰/۱۰/۵

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دائنامه

شماره:

پنوس:

نامه مذکور، اجازه سازمان برای استیفاء مطالبات خود از دارایی شخص ثالث بدون وجود دین نمی باشد، به استحضار قضات معظم دیوان عدالت اداری می رساند:

نظر به این که سازمان تأمین اجتماعی به استناد مقررات ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۵ اقدام به برداشت وجوه متعلق به شرکت موکل در نزد بانکها بابت مطالبات احتمالی خود از شرکتی به نام بادپا آسیا نموده است بدین وسیله مستنداً به ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری، علت درخواست و مغایرت مصوبه با شرع و قانون و همچنین خروج مصوبه از اختیارات مقام تصویب کننده را به شرح زیر به استحضار می رساند:

الف) علت درخواست

علت درخواست برداشت وجوه متعلق به شرکت موکل از سوی سازمان تأمین اجتماعی بابت طلب احتمالی خود از شخص ثالث « شرکت بادپا آسیا »
(ب) مغایرت مصوبه با موازین شرعی:

ب-۱) به موجب نص صریح آیه ۳۹ سوره نجم « و ان لیس للانسان الا ما سعی » و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست « حقی و مالکیتی برای کسی ایجاد نمی شود مگر آن که حاصل سعی و تلاش آن باشد در این خصوص برداشت وجوه متعلق به شرکت سایپا آذین از حسابهای سپرده و تخصیص آن به شخص ثالث و احتساب آن بابت مطالبات سازمان، در مغایرت آشکار با آیه شریفه است و سازمان و شخص ثالث بدون هیچ گونه سعی و کوششی مالک اموال شرکت شاکي شده اند.

ب-۲) سازمان تأمین اجتماعی با استناد به ماده ۴۰ آیین نامه و به صرف این که طی مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به نامه سازمان پاسخ داده نشده، به اعتبار این مرور زمان، مال این شرکت را به نفع خود مصادره و برداشت نموده است، این در حالی است که شورای محترم نگهبان در سال ۱۳۶۳ مرور زمانهای قانونی مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی را خلاف موازین شرعی تشخیص نموده و بنابراین در جایی که قانون مرور زمان که موجب سلب مالکیت می شود خلاف شرع تشخیص شده، به طریق اولی آیین نامه ای که چنین اختیاری به اشخاص می دهد که با انقضای مدت زمانی محدود، اموال و دارایی اشخاص را به صرف سپری شدن زمان، مصادره و تملک نماید نیز خلاف شرع به نظر می رسد.

ب-۳) به موجب ماده ۱۴۰ قانون مدنی که بر اساس موازین شرعی تدوین شده و از سوی شورای نگهبان نیز مغایر



فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دائنامه

شرح تشخیص نشده، اسباب تملک حصر شده و به جز موارد مذکور به طریق دیگری تملک حاصل نمی شود. لذا اقدام سازمان در تملک وجوه این شرکت به صرف انقضای مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه توجیه شرعی ندارد.

ج) مغایرت مصوبه با مقررات قانون اساسی:

ج-۱-۱) مغایرت با اصل چهارم قانون اساسی

ج-۱-۲) مغایرت با اصل چهارم قانون اساسی که به موجب آن کسی نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد و در این مورد سازمان و شخص ثالث جهت اعمال حق خویش موجبات اضرار این شرکت را فراهم نموده اند.

ج-۱-۳) قسمت اخیر اصل ۸۵ قانون اساسی مبنی بر این که مصوبات دولت نایستی با قانون اساسی مغایرت داشته باشد که با شرح فوق مغایرت دارد.

د) مغایرت مصوبه با مقررات قانون مدنی:

د-۱-۱) مغایرت با ماده ۳۱ قانون مدنی به لحاظ بیرون کردن مال از ید شرکت موکل و تصرف آن از سوی سازمان بدون وجود حکم قانونی

د-۱-۲) مغایرت با ماده ۱۴۰ قانون مدنی بدین توضیح که نقل وجوه سپرده شرکت شاکی در نزد بانکها به سازمان تأمین اجتماعی با هیچ یک از شقوق ماده ۱۴۰ مطابقت ندارد.

د-۱-۳) مغایرت مصوبه با مقررات مواد ۳۰۴-۳۰۳-۳۰۱ قانون مدنی به لحاظ دارا شدن غیر عادلانه سازمان و شخص ثالث

ه) خروج مقام تصویب کننده آیین نامه از حدود اختیارات:

نظر به این که اعطای حق یا سلب حق از اشخاص مستلزم وضع قانون می باشد، اقدام مقام تصویب کننده آیین نامه، نسبت به اعطای اختیار به سازمان برای برداشت مال شخص ثالث به جای مال مدیون واقعی به صرف عدم پاسخ به نامه سازمان ظرف مدت ۱۰ روز به نوعی قانونگذاری تلقی می شود که خارج از حیطه اختیار مقام تصویب کننده است.

علی هذا با عنایت به مراتب فوق ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۵ مغایر موازین شرعی و قانونی و خارج از حدود اختیار مقام تصویب کننده آیین نامه به نظر می رسد.

لذا با توجه به ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای ابطال آیین نامه مذکور که موجب تضییع حقوق اشخاص

توثیقی
بر اصل است
ر.نوشته مدیر دفتر هیئت عمومی
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰/۴۴۰/۱۰/۵



فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا د/نامه

می شود را دارد.

متن آیین نامه مورد اعتراض به قرار زیر است:

" ماده ۴۰- هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه مراتب را به اجرا اطلاع دهد والا خود، مسؤول پرداخت وجه یا تسلیم مال خواهد بود. "

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی به موجب لایحه شماره ۱۳۹۱/۸/۲-۷۱۰۰/۹۱/۳۱۳۶ توضیح داده است که:

" الف: ایراد شکلی:

۱- سازمان تأمین اجتماعی به موجب قانون فهرست نهادها و موسسات عمومی غیر دولتی، در زمره سازمان غیر دولتی قرار دارد و یک سازمان عمومی غیر دولتی است و از شمول ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری خارج است، بنابراین موضوع مطروحه در صلاحیت هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نمی باشد و از این حیث قابل رد می باشد.

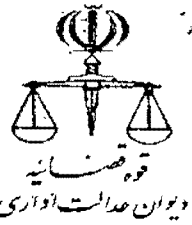
۲- نظر به این که خواسته موصوف قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و پس از رسیدگی نهایتاً به موجب دادنامه های شماره ۲۳ - ۱۳۸۷/۱/۲۵ و شماره ۱۹۹ - ۱۳۸۹/۵/۱۸ مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین موضوع از اعتبار قضیه محکوم بها برخوردار بوده و از این حیث شکایت شاکی قابل طرح و رسیدگی مجدد نبوده، لذا مطابق ماده ۳۹ قانون دیوان عدالت اداری رد آن مورد استدعاست.

ب: دفاعیات ماهوی

۱- ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مقرر داشته است: « مطالبات سازمان بابت حق بیمه و خسارات تأخیر و جریمه های نقدی که ناشی از اجرای این قانون یا قوانین سابق بیمه های اجتماعی و قانون بیمه اجتماعی روستاییان باشد، همچنین هزینه های انجام شده طبق مواد ۹۰ و ۶۶ و خسارات مذکور در مواد ۱۰۰ و ۹۸ این قانون در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرا بوده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مأموران اجرای سازمان قابل وصول می باشد. آیین نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون از طرف سازمان تهیه و پس از تصویب وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و وزارت دادگستری به موقع اجرا گذارده خواهد شد...»

۲- ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مقرر نموده، هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه مراتب را به

فتوکی
پروا اصل است
نوشت
مدیر دفتر هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری
۱۳۹۰/۱۰/۵



فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دالنامه

اجرا اطلاع دهد والا خود مسؤول پرداخت وجه یا تسلیم مال خواهد بود.

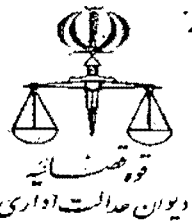
با عنایت به ماده یاد شده، قانونگذار در ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مقرر داشته که مطالبات سازمان بابت حق بیمه خسارت تأخیر و جریمه های نقدی را در حکم مطالبات مستند به اسناد لازم الاجرا قرار داده و طبق مقررات مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به وسیله مأموران اجرای سازمان قابل وصول دانسته است و در ادامه فصل ششم آیین نامه اجرایی مفاد اسناد رسمی لازم اجرا که موضوع آن بازداشت اموال نزد شخص ثالث می باشد، با مفاد فصل پنجم آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی (ماده ۴۰) منطبق بوده و از جهت ماهوی همسو و در یک راستا می باشد.

بدین معنی که ماده یاد شده در جهت عدم تضییع حقوق اشخاص ثالث و رعایت حقوق بستانکار وضع شده که منطبق با قواعد حقوقی می باشد.

۳- شاکی در دادخواست تقدیمی عنوان داشته که سازمان تأمین اجتماعی به استناد ماده یاد شده و به صرف این که طی ده روز از تاریخ ابلاغ، به درخواست سازمان پاسخ داده نشده به اعتبار مرور زمان نسبت به اجرای ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی عمل نموده است و این در حالی است که شورای نگهبان مرور زمانهای قانونی مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی را خلاف موازین شرعی تشخیص داده است، در این ارتباط لازم به ذکر است که مباحثی که در شورای نگهبان مرور زمانهای قانونی مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی را خلاف موازین شرعی تشخیص داده است، در این ارتباط لازم به ذکر است که مباحثی که در شورای نگهبان مطرح شده مربوط به زمان دادرسی و اقامه دعوی می باشد در حالی که موضوع ماده معترضٌ عنه در خصوص وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد اموال منقول بدهکار نزد شخص ثالث می باشد و بنابراین موضوعاً از شمول مورد ادعای شاکی و مباحث مطروحه در شورای نگهبان به شرح فوق خارج است. ضمناً در حال حاضر در امور کیفری، مرور زمان به طور محدود وجود دارد و از سوی دیگر در مورد تعقیب انتظامی قضات و وکلاء و کارشناسان رسمی، مرور زمان باقی است.

۴- شاکی در دادخواست تقدیمی با بیان ماده ۳۱ قانون مدنی برداشت وجوه و اموال شخص ثالث نزد موکل خود را غیر قانونی دانسته و خواستار رسیدگی به ماده معترضٌ عنه شده است. لذا در این ارتباط لازم به ذکر است ماده ۳۱ قانون مدنی مقرر داشته، هیچ مالی از تصرف صاحب آن نمی توان بیرون کرد مگر به حکم قانون. بنابراین ماده یاد شده ناظر به اموال اشخاص می باشد در حالی که موضوع ماده معترضٌ عنه اموال بدهکار نزد شخص ثالث است و با توجه به این که شرکت مذکور در مهلت قانونی وجود اموال یا وجه نقد بدهکار نزد شرکت را منکر نشده است حسب

تاریخ: ۱۳۸۰/۰۶/۰۵
شماره: ۴۰۰۰/۵۶۰/۵
دیوان عدالت اداری



فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

نص صریح این ماده قانونی فرض قانونی بر آن است که اموال موصوف، مربوط به خواهان نمی باشد بلکه مال بدهکار نزد وی محسوب می گردد. بدیهی است چنانچه شرکت ادعای خلاف این امر را داشته باشد می بایستی از طریق محاکم عمومی آن را به اثبات رساند و تا زمانی که این ادعا به موجب رأی قطعی محاکم عمومی به عنوان مرجع صالح جهت رسیدگی به موضوع به اثبات نرسد اقدام سازمان بر اساس مقررات مذکور صحیح و لازم الاجرا است.

۵- شاکی با بیان ماده ۱۴۰ قانون مدنی اعلام داشته که عمل سازمان تأمین اجتماعی در اجرای ماده معترض عنه با هیچ یک از شقوق ماده ۱۴۰ قانون مدنی مطابقت ندارد لذا خواستار رسیدگی به ماده معترض عنه شده است.

در این ارتباط لازم به توضیح است که ماده ۱۴۰ قانون مدنی در باب اسباب تملک می باشد در حالی که در اجرای ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی تملکی صورت پذیرفته بلکه سازمان تأمین اجتماعی معادل اموال بدهکار نزد شرکت (خواهان) را بر اساس ضوابط قانونی مقرر به شرحی که گذشت از اموال شرکت برداشت نموده است بنابراین ملاحظه می فرمایید که تملکی که در ماده ۱۴۰ قانون مدنی مد نظر قانونگذار بوده متفاوت از موضوع ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی می باشد و از این حیث خواسته شاکی قابل رد می باشد.

۶- شاکی در بخشی از دادخواست تقدیمی اظهار نموده که ماده یاد شده مغایر مواد ۳۰۴-۳۰۳-۳۰۱ قانون مدنی به لحاظ دارا شدن غیر عادلانه سازمان می باشد. لذا خواستار رسیدگی به ماده معترض عنه شده است در این ارتباط لازم به ذکر است که مباحث مطروحه در مواد یاد شده در قانون مدنی مربوط به دارا شدن غیر عادلانه می باشد در حالی که سازمان تأمین اجتماعی در اجرای ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی در مقام وصول طلب قانونی خود می باشد و مواد مورد استناد شاکی در این خصوص موضوعیت ندارد. لذا از این حیث نیز خواسته شاکی قابل رد می باشد.

۷- شاکی در بخشی از دادخواست ارائه شده مدعی است که ماده معترض عنه مغایر اصول چهارم و قسمت اخیر ۸۵ قانون اساسی می باشد. لذا درخواست رسیدگی را دارد در این ارتباط لازم به ذکر است که اولاً اصل ۴۰ قانون اساسی مقرر نموده، هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. با عنایت به مفاد اصل مذکور و این که سازمان به موجب مقررات قانونی از جمله ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی در مقام وصول طلب برآمده است بنابراین ماده معترض عنه متفاوت از مفاد اصل چهارم بوده و اجرای ماده معترض عنه هیچ مغایرتی با اصل مزبور نداشته بلکه به موجب قانون صورت پذیرفته است.

توقفتی
پیوست: ۱
مدیر دفتر هیئت عمومی
دیوان عدالت اداری
۱۳۰۰/۲۴۰/۱۰/۵

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه



ثانیاً: قسمت اخیر اصل ۸۵ قانون اساسی ناظر به مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولت با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و با قانون اساسی و یا قوانین و مقررات عمومی کشور می باشد و خارج از موضوع مقرر در ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی که عبارتست از وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد شخص ثالث می باشد، بنابراین به لحاظ این که مفاد اصولی مورد ادعای شاکی در ماده معترض عنه متفاوت می باشند بنابراین از این حیث خواسته شاکی قابل رد می باشد.

۸- شعبه تأمین اجتماعی شهر قدس طی بازداشت نامه مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۲ علیه شرکت سایپا آذین به مبلغ ۶۰۱/۱۶۸/۵۷۱ ریال وفق فصل پنجم آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی اقدام نموده است، در ماده ۳۶ آیین نامه مزبور تصریح شده است، « هر گاه معلوم شود» که وجه نقد یا اموال منقول دیگری از بدهکار نزد شخص ثالث می باشد مراتب توقیف آن کتباً به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می شود و جریان امر کتباً به بدهکار نیز اعلام خواهد شد. در این ماده قانونگذار از لفظ « معلوم شود» استفاده نموده است و به این که این علم ناشی از چه منبع یا سند رسمی صورت گرفته است اشاره نشده، ضمن این که از لفظ « احراز شود» نیز استفاده ننموده است. لذا سازمان می تواند به عنوان متولی و امانت دار صندوق بین النسلی که متعلق به بیمه شدگان آن صندوق می باشد در راستای حفظ صیانت، از آن می تواند مستند به هر امری که نشان دهنده وجوه مالی از مدیون نزد شخص ثالث باشد، نسبت به صدور بازداشت نامه علیه شخص ثالث اقدام نماید. از سوی دیگر در ماده ۴۰ معترض عنه آمده است هر گاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه مراتب را به اجرا اطلاع دهد والا خود مسؤول پرداخت وجه یا تسلیم مال می باشد. لذا شرکت طراحی و ساخت قطعات داخلی خودرو سایپا آذین علی رغم ابلاغ بازداشت نامه به آن وفق مقررات، ظرف مهلت مقرر در قانون نسبت به انکار وجود مالی از شرکت بادپا آسیا نزد خود برنیامده است و شعبه شهرستان قدس اقدام به برداشت از حساب شرکت سایپا آذین به عنوان شخص ثالث نموده است که اقدام سازمان وفق قوانین و مقررات جاری صورت پذیرفته است.

بنابراین با عنایت به مراتب فوق و این که ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی در باب وجود وجه نقد یا اموال منقول بدهکار نزد شخص ثالث همانند بسیاری از قوانین و آیین نامه های مشابه از جمله آیین نامه اجرایی مفاد اسناد لازم الاجرا تنظیم گردیده و کاملاً منطبق با قواعد مرتبط می باشد و نیز موضوع مطروحه قبلاً در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مطرح و به موجب دادنامه های شماره ۲۳- ۱۳۸۷/۱/۲۵ و شماره ۱۹۹-



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْلَمُوا دادنامه

مورد تایید قرار گرفته است تقاضای رسیدگی و رد شکایت مطروحه مورد استدعاست. " ۱۳۸۹/۵/۱۸

در خصوص ادعای شاکی مبنی بر مغایرت مصوبه با شرع قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۱/۷/۱۶-۹۱/۳۰/۴۸۲۳۱ اعلام کرده است که:

" موضوع ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۵/۱۰/۲۵، در جلسه مورخ ۱۳۹۱/۷/۱۲ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می گردد:

- ماده ۴۰ آیین نامه خلاف موازین شرع شناخته شد و انکار شخص ثالث ولو در خارج از مهلت ده روزه مذکور موثر است و در صورت ترافع مدعی باید به دادگاه صالحه مراجعه تا رسیدگی شود."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ یاد شده با حضور رؤسا، مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد. پس از بحث و بررسی، با اکثریت آراء به شرح آینده به صدور رأی مبادرت می کند.

رأی هیأت عمومی

الف: با توجه به اینکه به موجب رأی شماره ۱۳۸۹/۵/۱۸-۱۹۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مواد ۴۱ الی ۳۶ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی به لحاظ عدم مغایرت با موازین قانونی ابطال نشده است، بنابراین از این حیث رسیدگی به درخواست ابطال ماده ۴۰ آیین نامه مذکور مشمول قاعده امر مختوم است و موجبی برای اتخاذ تصمیم مجدد وجود ندارد.

ب: نظر به اینکه در خصوص ادعای مغایرت ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی با موازین شرع مقدس اسلام، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۳۹۱/۷/۱۶-۹۱/۳۰/۴۸۲۳۱ اعلام کرده است که:

" ماده ۴۰ آیین نامه خلاف موازین شرع شناخته شد و انکار شخص ثالث ولو در خارج از مهلت ده روزه مذکور موثر است و در صورت ترافع مدعی باید به دادگاه صالحه مراجعه تا رسیدگی شود."

بنابراین در اجرای مواد ۴۱ و ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری، ماده ۴۰ آیین نامه اجرایی ماده ۵۰ قانون تأمین اجتماعی به لحاظ مغایرت با موازین شرع مقدس اسلام از تاریخ تصویب ابطال می شود./

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری

علی مبشری

فتوایی در ابواب اصل است
رونوشت مدیر دفتر هیأت عمومی
دیوان عدالت اداری
۱۳۹۱/۷/۱۶